نگاه

طرح‌های کارورزی و مهارت‌آموزی نوعی سوبسید

حسین کمالی
وزیر کار دولت سازندگی و اصلاحات

توجه به طرح‌های چهارگانه‌ای که اعلام شده به‌عنوان کارورزی، تکانیو، کاج و مهارت‌آموزی، مثل این است که بر سر قبری گریه کنید که دروش مرده‌ای نیست.

«ایجاد شغل» باید برای رفع بی‌کاری در دست کار قرار بگیرد. نه اینکه فکر کنیم آن‌قدر فرصت شغلی در جامعه وجود دارد که مشکل اساسی امروز کشور نحوه استفاده از آن فرصت‌هاست. دوستان سعی کرده‌اند تا حدی پرداخت بیمه را برای توسعه اشتغال آسان کنند؛ یعنی امتیازی به کارفرماها از لحاظ بیمه‌ای بدهند و بکویند اگر کسی در طرح کارورزی بود و فاغ‌التحصیل‌اشتغال استفاده کرد، دو سال حق بیمه سهم کارفرما را دولت پرداخت می‌کند.

در حقیقت یک نوع سوبسیددادن به کارفرماهاست برای اینکه افراد را وارد خودشان شاغل کنند. درحالی‌که اصل بحث این است که آیا فرصت‌های شغلی ایجاد شده است یا نه. اینکه تصور کنیم فرصت‌ها وجود دارد و حالا باید جوانان و دانشجویان را به توجی به این واحدها معرفی کنیم و بعد اگر کارفرمایان آنها را پسندیدند، آنها را به کار بگیرند. خطاست. اینکه در بخشی از کار گفته می‌شود حقوق پرداختی به این افراد در دوره کارآموزی یک سوم حداقل دستمزد است. در حقیقت کاهش دستمزد نیروی کار به میزان یک‌سوم است، یعنی اگر اکنون ملاً حداقل حقوق ۹۰۰ هزار تومان باشد بناست به این افراد ۳۰۰ هزار تومان حقوق پرداخت شود. این اقدام، در حقیقت یک نوع دوردزن قوانین و مقررات و ساده‌سازی کار است، یک نوع امتیازدادن است که هیچ خاصیتی هم دربر نخواهد داشت.

اینکه گفتند در چند استان چند نفر شاغل شده‌اند. اگر آمار و ارقام بررسی شده که در کدام استان‌ها به چه صورت بوده، بد نیست. باید از کلی‌گویی خارج شویم. اینکه گفته‌اند ۱۵۰ هزار شغل سرباز رفته‌اند، باید دید، اگر بعد از این مدت حتی ۱۵ هزار نفر شاغل شده باشند، خوشحال می‌شویم! دولت موظف است سالانه ۹۵۰ هزار شغل ایجاد کند. اما با این اقدامات، مرتب در حال پس‌اندازی بی‌کاری و افزایش ارتش ذخیره کار هستیم.

در دولت قبل هم وزارت صنایع داشتیم. دلیلش هم این است کسانی که این مسائل را مطرح می‌کنند، به عمق مسئله توجه نکرده‌اند. تصور می‌کنند با دادن یک سری امتیازات سطحی به این مشکل، می‌توانند مسئله را حل کنند. درحالی‌که مشکل در ذات موضوع یعنی ایجاد «شغل» است. ایجاد شغل باید در دستور کار قرار بگیرد که تنها در یک اقتصاد مزیتی مرز خواهد داد؛ آن هم نه چیزی که اقبال کنفدانس مزیت استان، بحث رقابت، مزیت و تخصص در سطح ملی است. می‌گویند در کردستان، فعالان آی‌تی زیاد هستند و به این افراد آموزش ساخت کیم داده‌اند و با اتصال این افراد به سامپه‌کاران، پس از مدتی آنها توانسته‌اند نه فقط کردستان، بلکه صدر کشور و طرحشان در این زمینه موفق بوده است. این در حالی است که هندوستان خدمات اینترنتی به اروپا صادر می‌کند.

هدف اگر طرح‌ها به‌ویژه دو طرح کارورزی و مهارت‌آموزی، بیشتر‌بیس‌دون حق و حقوق کارگران است. اکنون طرح مهارت‌آموزی در بحث آموزش وزود کرده دستخوش مرکز فنی- حرفه‌ای داریم که افراد می‌توانند در آن، آموزش ببینند و با حقوق کامل شاغل شوند. دلیلی ندارد که با یک‌سوم حقوق و حتی بدون دستمزد، سر کار بروند. همه این اقدامات، دروزن حقوق وجود دارد. بسیار است. نظر من به‌سمت دوستان برای استقبال ندارند و به همین دلیل طرحی به این صورت ارائه کردند. گفته شد در کشورهای مدرن هم وقتی این طرح‌ها به‌ویژه کارورزی و مهارت‌آموزی نیستند و معتقدند مشکل حاد حاضر آنها، نیروی کار نیست. مشکل در بخش‌های دیگر اقتصاد است که دولت باید آنها را اصلاح کند. مشکل بی‌کاران و کارفرمایان را با این طرح‌ها نمی‌توان حل کرد. استقبال‌رایی به این شکل و بدون اینکه حق و حقوق نیروی کار را پرداخت کنند. یک نکته دیگری به خاصیت است که قطعاً هم وقوع خواهد بود.

به عبارتی من، برای ایجاد اشتغال باید بازسازی اقتصاد را در دستور کار قرار دهیم و اقتصاد مزیتی رقابتی را بر پایه تخصص ملی سنی بگیریم. اقتصادی که مبتنی بر تخصص و مزیت باشد و کارگران و کارفرمایان را با این طرح‌ها نمی‌توان حل کرد. استقبال‌رایی به این شکل و بدون اینکه حق و حقوق نیروی کار را پرداخت کنند. یک نکته دیگری به خاصیت است که قطعاً هم وقوع خواهد بود.

بحث من، برای ایجاد اشتغال باید بازسازی اقتصاد را در دستور کار قرار دهیم و اقتصاد مزیتی رقابتی را بر پایه تخصص ملی بگیریم. اقتصادی که مبتنی بر تخصص و مزیت باشد و کارگران و کارفرمایان را با این طرح‌ها نمی‌توان حل کرد. استقبال‌رایی به این شکل و بدون اینکه حق و حقوق نیروی کار را پرداخت کنند. یک نکته دیگری به خاصیت است که قطعاً هم وقوع خواهد بود.

طرح کارورزی و دستورالعمل مهارت‌آموزی وزارت کار با حضور مالجو، ازوجی و خدایی در میزگردی بررسی شد

طرحی با نقاب قانون

عکس: عباس کوثری، شرق

شکوفه حبیب‌زاده: بسته اشتغال دولت درحالی استارت خورده که منتقدان زیادی علیه آن داد سخن می‌دهند. حرف مشترک انتقادها، یکی است: «غیرقانونی است». تلاش یک‌بان به سوی دو برنامه از چهار برنامه دولت برای اشتغال‌زایی است. طرح کارورزی و دستورالعمل مهارت‌آموزی در محیط کار وافعی. این دو به کفته منتقدان بی‌شباخت به طرح استاد- شاگردی دوران آستیه‌دزاد نیست. براساس همین شباخت‌هاست که کارگران به دیوان عدالت اداری شکایت بردداند. «شرق» بر آن شد به‌واسطه نقدهای فراوان بر دو طرح و دستورالعمل مورد نقد، میزگردی با حضور معاون توسعه کارآفرینی و اشتغال وزارت کار، نماینده کارگری در شورای عالی کار و دو اقتصاددان (یکی منتقد و دیگری از طراحان این طرح) برگزار کند. در این میان، عیسی منصوری، معاون وزیر کار، به‌واسطه مشغله کاری حضور نیافت و علاءالدین ازوجی، مشاور وزیر و مدیرکل دفتر سیاست‌گذاری و توسعه اشتغال، را به این جمع فرستاد. شاید به‌همین دلیل بود که این مقام مسئول نسبت به‌عنوان میزکرد در ابتدا اظهار بی‌اطلاعی کرد. همچنین با عدم حضور زهرا کریمی، اقتصاددان، این میزکرد سه‌نفره با حضور دو عضو دیگر، محمد مالجو، اقتصاددان و علی خدایی، نماینده کارگران و عضو شورای عالی کار، برگزار شد. در این نشست که به بخش اعظمی از آن به واسطه اختلاف عقیده، به چالش کشیده شد، بخش‌های مهمی از این دو طرح و دستورالعمل، مغایر با قانون کار و دیگر قوانین بین‌المللی و دخالت در امور آموزش که تحت سیطره وزارت علوم شناخته می‌شود، ارزیابی شد. اما در عین حال، مدیرکل اشتغال وزارت کار تاکید داشت که اکنون زمان آن است که به سبب شرایط موجود اقتصاد و حادبودن وضعیت اشتغال، برای ترغیب کارفرمایان به جذب نیروی کار، «منت آنها را کشید».

▶ اول تیرماه آغازبسته اشتغال دولت با طرح کارورزی بود؛ طرحی که انتقادهای زیادی را به همراه داشته. البته طرح مهارت‌آموزی نیز طرحی است که بیشترین انتقادها را به دنبال داشته. چرا طرح‌هایی که بی‌شباخت به طرح استاد- شاگردی نیستند، با وجود مخالفت‌ها تا این حد مصرانه از سوی دولت پیگیری می‌شوند؟

ازوجی: من در مقابل بی‌کاران مسئول هستم. بیش‌تر در سازمان برنامه روی بحث اشتغال‌زایی کار کرده بودند. اما حدود چهار، پنج‌ماهی است که در وزارت کار، آغاز به تدوین برنامه اشتغال کردیم. جلسه خیلی از بحث‌ها در دستگاه‌های مختلف مطرح می‌شد. یک‌سری مطالعات در وزارت کار در قالب طرح تکانیو (توسعه کسب‌وکار و اشتغال پایدار) مطرح شد. این طرح به‌صورت پایلوت در سطح ملی و استانی اجرا شده و نکاهش صرفا اقتصادی نیست. زیرا معمولا بحث‌های دوستان در حوزه اشتغال، اقتصادی است. مجموعه‌ای مشخص از کارشناسان در این حوزه متمرکز به کار شده‌اند. هم مطالعات اسنادی و سنجی است و هم مطالعات میدانی است که معمولا مطالعات میدانی در اقتصاد کمتر کار می‌شود. خروجی این بحث این بود که در استان‌های X چه رسته‌هایی باید اولویت اشتغال باشند. اگر دولت می‌خواهد در بازار کار در آن استان مداخله کند. رسته‌های مختلف کدام‌ها هستند تا به جای اینکه در تمام ابعاد از جوشکاری تا آی‌تی گرفته، وارد شویم در این رسته‌ها وارد شده تا بهتر بتوانیم اشتغال‌زایی ایجاد کنیم که فارغ‌التحصیل جذب شود. بنابراین سطح بسیار استان‌ها از نظر تقاضا و عرضه مشخص شد. بعد از آن، مشخص شد که رشته‌هایی اگر در آن استان فارغ‌التحصیل تولید شود، برای جذب راحت‌ترش در استان کمک خواهد شد. در استان سیستان‌وبلوچستان، فارغ‌التحصیلانی داریم که بخش‌های اقتصادی به آنها نیاز ندارند. این امر نشان می‌دهد تنظیم آموزش عالی ما در سمت‌وسوی دیگری که‌ای‌ام‌ای و بازار کار و تولید به سمتی دیگر. تاکید اصلی‌ام این است که «نهاد» را تعریف کنیم. «نهاد» قاعده بازی در اقتصاد را تنظیم می‌کند. این قواعد تعیین می‌کند که چه کسانی کار و کارفرما تعیین می‌کند که چه کسانی باید وارد بازار کار شوند. وقتی قواعد به‌صورت حرفه‌ای و آمانوری تعیین می‌شود، دولت‌ها و تشکل‌ها نقش دارند. به همین خاطر تشکل‌های سه‌جانبه شکل می‌گیرد که بخش‌های مهمی در آن هستند. قواعد تنظیم‌شده در بازار کار ایران، عمدتا آمانوری است. نیروی کاری که تربیت می‌کنیم آمانوری است. درست است که دکترا و فوق‌لیسانس داریم اما در جامعه کار و تولید آمانور هستند. نیروی کار و بنگاه اقتصادی ما حرفه‌ای نیست. به‌همین‌دلیل نمی‌توانیم در سطح جهانی رقابت کنیم و بازار را خوب بشناسیم. به‌همین‌دلیل نمی‌توانیم در سطح جهانی رقابت کنیم و بازار را خوب بشناسیم. در واقع، دولت‌ها و تشکل‌ها در بازار کار ایران، عمدتا آمانوری است. نیروی کاری که تربیت می‌کنیم آمانوری است. درست است که دکترا و فوق‌لیسانس داریم اما در جامعه کار و تولید آمانور هستند. نیروی کار و بنگاه اقتصادی ما حرفه‌ای نیست. به‌همین‌دلیل نمی‌توانیم در سطح جهانی رقابت کنیم و بازار را خوب بشناسیم.**

خدایی: من در مقابل بی‌کاران مسئول هستم. بیش‌تر در سازمان برنامه روی بحث اشتغال‌زایی کار کرده بودند. اما حدود چهار، پنج‌ماهی است که در وزارت کار، آغاز به تدوین برنامه اشتغال کردیم. جلسه خیلی از بحث‌ها در دستگاه‌های مختلف مطرح می‌شد. یک‌سری مطالعات در وزارت کار در قالب طرح تکانیو (توسعه کسب‌وکار و اشتغال پایدار) مطرح شد. این طرح به‌صورت پایلوت در سطح ملی و استانی اجرا شده و نکاهش صرفا اقتصادی نیست. زیرا معمولا بحث‌های دوستان در حوزه اشتغال، اقتصادی است. مجموعه‌ای مشخص از کارشناسان در این حوزه متمرکز به کار شده‌اند. هم مطالعات اسنادی و سنجی است و هم مطالعات میدانی است که معمولا مطالعات میدانی در اقتصاد کمتر کار می‌شود. خروجی این بحث این بود که در استان‌های X چه رسته‌هایی باید اولویت اشتغال باشند. اگر دولت می‌خواهد در بازار کار در آن استان مداخله کند. رسته‌های مختلف کدام‌ها هستند تا به جای اینکه در تمام ابعاد از جوشکاری تا آی‌تی گرفته، وارد شویم در این رسته‌ها وارد شده تا بهتر بتوانیم اشتغال‌زایی ایجاد کنیم که فارغ‌التحصیل جذب شود. بنابراین سطح بسیار استان‌ها از نظر تقاضا و عرضه مشخص شد. بعد از آن، مشخص شد که رشته‌هایی اگر در آن استان فارغ‌التحصیل تولید شود، برای جذب راحت‌ترش در استان کمک خواهد شد. در استان سیستان‌وبلوچستان، فارغ‌التحصیلانی داریم که بخش‌های اقتصادی به آنها نیاز ندارند. این امر نشان می‌دهد تنظیم آموزش عالی ما در سمت‌وسوی دیگری که‌ای‌ام‌ای و بازار کار و تولید به سمتی دیگر. تاکید اصلی‌ام این است که «نهاد» را تعریف کنیم. «نهاد» قاعده بازی در اقتصاد را تنظیم می‌کند. این قواعد تعیین می‌کند که چه کسانی کار و کارفرما تعیین می‌کند که چه کسانی باید وارد بازار کار شوند. وقتی قواعد به‌صورت حرفه‌ای و آمانوری تعیین می‌شود، دولت‌ها و تشکل‌ها نقش دارند. به همین خاطر تشکل‌های سه‌جانبه شکل می‌گیرد که بخش‌های مهمی در آن هستند. قواعد تنظیم‌شده در بازار کار ایران، عمدتا آمانوری است. نیروی کاری که تربیت می‌کنیم آمانوری است. درست است که دکترا و فوق‌لیسانس داریم اما در جامعه کار و تولید آمانور هستند. نیروی کار و بنگاه اقتصادی ما حرفه‌ای نیست. به‌همین‌دلیل نمی‌توانیم در سطح جهانی رقابت کنیم و بازار را خوب بشناسیم.**

ازوجی: شیشه‌های من می‌گوید زمان‌بندی‌ای در پشت صحنه تعیین شده که آنها حضور نداشته باشند.

مالجو: دعوت شده‌اند. اینکه نیامده‌اند مشکل من نیست.

مالجو: شیشه‌های من می‌گوید زمان‌بندی‌ای در پشت صحنه تعیین شده که آنها حضور نداشته باشند.

ازوجی: اصلا این‌طور نبوده. کسی که این بحث‌ها را مطرح می‌کند، مدیون می‌شود. چنین اتفاقی نیفتاده. دغدغه من بازار کار است و ربطی به چیز دیگری ندارد. اگر ایشان به‌عنوان نماینده کارگری موردی را بیان می‌کنند باید آنها لحاظ شود. قواعد بازی این را می‌گوید. دو دغدغه وجود داشت که لحاظ کردیم. اگای خدایی در جریان موضوع هست.

مالجو: دغدغه مثبت و نیت خیر سطح کارشناسی وزارت کار که شما هم در آن مجموعه قرار می‌گیرید یک بحث است. بودن‌داد کلیت این طرح که دست‌کم از زمان مطرح‌شدن طرح استاد- شاگردی در دوران اگای احمدی‌نژاد تا امروز مستمر فوم عوض می‌کند اما محاویلش اشکال است. چیز دیگری نیست. چنین طرح‌هایی توسط بورکراسی و اگای‌ام‌ای‌ها و کوتاکون خودپرای کار (گاهی افراد تحصیل‌کرده دانشگاهی، گاهی نیروهای ناماهر، گاهی کسانی بالا) را افرایش دهند. آن هم با از طرح به رایگان کارآموزان نیروهای کار از خدمت کارفرمایان یا از بیمه‌کردن افراد تحت حمایت دولت‌ها و تشکل دستمزد رسمی از ایران کارشکنی. هدف قانون‌نرسازی نیروی کار است. همه حرفی که من تاکنون گفته‌ام مبتنی بر مستند حقوقی بود. اگر واردبحث قانون‌ها و سازمانی شویم، می‌توانم توضیح دهم که این افرایش نرخ بهره‌کشی (شاید هم این واژه را نپسندید) و درواقع بیکاری‌کردن با ناخرشی پایین‌تر از احتمال دستمزد کارکردن برای کارفرمایان خیر برخی‌کنندگان هم نمی‌تواند نفسی در اشتغال‌زایی یا حتی اشتغال‌پذیری عرضه‌کنندگان نیروی کار داشته باشد.

▶ آقای خدایی، دو طرح در سالیان حضورتان داشتید. درباره نقدهای فعالان کارگری و مدیران طرح‌های دولت بر دولت بیگویید.

خدایی: بیشتر بحث‌ها من دوستان نهادها را متوجه هستند. من کل مجموعه را می‌گویم شما به یک حوزه خاص ارتباط ندهید. الان کارگران می‌خواهند ببینند اشتغال ایجادشده در کارگاه‌های کمتر از ۱۰ نفر با معافیت‌هایی که داده‌اید. چیست. می‌توانم به شما گزارش دهم چه تبعات اجتماعی‌ای دارد. شما موظف هستید خبر این موضوع را به من بگویید. من می‌گویم خروج کارگاه‌های کمتر از پنج یا ۱۰ نفر از شمول قانون کار، باعث هزار، هزار، هزار اسیب اجتماعی شد. باعث حادثه پلاستو شد، باعث شد هیچ کارگری نمی‌داند حقش است که بیمه شود. از طرف دیگر نتیجه این شده که کاهی اوقات خودمان اعتراف می‌کنیم: تا چهار میلیون نفر کارگر غیررسمی داریم. کارگر غیررسمی از کجا به وجود آمد؟ یک بخش عمده‌ای ناشی از همین قوانین ما بوده. من آسیب‌هایش را می‌بینم اما شما به‌عنوان دولت هنوز نمی‌توانید خبرش را به من بگویید که با این معافیت‌ها چقدر اشتغال در این دوره ایجاد شده، با در مناطق آزاد ویژه تجاری قانون تعیین می‌کنیم که ۵۲ ماده دارد. یک ماده دارد که اگر بخواهیم این ۵۱ ماده قبلی را درست بررسی کنیم، همه آنها را نقض کرده. این ماده، تمام روابط بین کارگر و کارفرما را به توافق بین این دو محدود کرده و قوانین حمایتی برداشته شده. اجازه تشکیلابی‌ای در آن مناطق به کارگران داده نشده. دولت‌ها، نیز به امنیت شغلی و فیزیکی و ایمنی کار هیچ‌کدام نیست. آزاد است. یک نبیم مطالعاتی تشکیل دهیم ببینیم آنجا که قوانین و حمایت‌ها را از بین برده‌ایم، اشتغال مازادی ایجاد کرده یا فضا برای اراذل و اوباش و سایه‌انداخته ایجاد کرده‌ایم؟ به نوشته‌ها می‌اعتمادیم. به این دستورالعمل‌ها می‌اعتمادیم. می‌گویم این دستوری که نوشته شده اجرا نخواهد شد. حتی اگر تضمین زیادی بگویم. چرا؟ ماده ۵۲ قانون (که دستورالعمل هم نیست) می‌گوید تمامی مقاوله‌نامه‌ها و حتی توصیه‌نامه‌های سازمان بین‌المللی کار در مناطق آزاد لازم‌الرعایه است. کدامش اجرا می‌شود؟ کارگران تا تجمع صنفی نمی‌کنند یا تا نیرو خرد می‌شود. مگر ما آزادی اعتراض تداریم در منطقه‌ای که کفته می‌شود مقاوله‌نامه‌ها لازم‌الرعایه هستند؟ آنجا هم اعتراض کارگران به رسمیت شناخته شده. هم اعتصاب صنفی و هم تعیین

● مالجو: طرح کارورزی دانش‌آموختگان مطلقا قانونی است؛ هم از حیث مقاوله‌نامه‌های بین‌المللی. هم از نظر قانون کار ایران صریحا بیان می‌کند. ماده ۶۹، هم از لحاظ دستورالعمل‌های مصوب شورای عالی کار و هم نهایتا از زاویه قانون برنامه ششم. بنابراین بهترین کاری که وزارت کار انجام داده این است که تلاش می‌کند تا بتواند انجام دهد. پس‌رفتن و متنفی‌کردن این طرح است.

● ازوجی: مشکل اصلی من و شما در این کلیته است. من مشکل را در بخش کارگر نمی‌بینم. من الان مشکل کارورز ندارم. باید مدت کارفرما را بکشم که به این کارورز آموزش دهد.

● خدایی: این طرح، مغایرت صدردصدی با بند پنج ماده یک مقاوله‌نامه ۱۴۲ دارد. یعنی دقیقا برعکس عمل می‌کنیم. به جای اینکه فرد را تشویق کنیم تا مهارت‌های موردنیاز را یا باز بگیرد فرد را دست کارفرما می‌سپریم.

تنکشلان: چرا هیچ‌کدام از اینها اجرا نمی‌شود؟ نهاد مولی که باید اینها را اجرا کند، کجاست؟ همین نهادی که دستورالعمل‌های جدید را صادر می‌کند. همه اینها را توضیح دادم که یکوم اینکه دلایل بی‌اعتمادی ما از کجا نشئت می‌گیرد. ما درخصوص این بحث‌ها، مطالعات قوانین‌ای‌ام‌ای‌ها را تقدیم می‌کنیم. این طرح یا بر قوانین حمایتی مغایرت دارد، یا مغایرت نمونه. در بند پنج ماده یک مقاوله‌نامه ۱۴۲ آمده: «سیاست‌ها و برنامه‌های راهنمایی حرفه‌ای و آموزش حرفه‌ای با همکاری سازمان‌های کارگران و کارفرمایان و در صورت امکان با توافق و اجرای قوانین و رول ملی با همکاری سایر نهادهای ذی‌نفع تهیه، تنظیم و اجرا خواهد شد». سه مرحله دارد. تهیه، تنظیم و اجرا. اگر موضوع حضور نمایندگان کارگران در شورای عالی اشتغال را بپذیریم که گفتم حضور نداشتند و سلب شورای عالی اشتغال در تاریخی تشکیل شد که کل اعضای جنبه‌دیو شوراهای اشتغال در این دوره حضور نداشتند. آنجا هیچ‌کدام از اینها را به معافیت‌ها چقدر اشتغال در این دوره ایجاد شده، با در مناطق آزاد ویژه تجاری قانون تعیین می‌کنیم که ۵۲ ماده دارد. یک ماده دارد که اگر بخواهیم این ۵۱ ماده قبلی را درست بررسی کنیم، همه آنها را نقض کرده. این ماده، تمام روابط بین کارگر و کارفرما را به توافق بین این دو محدود کرده و قوانین حمایتی برداشته شده. اجازه تشکیلابی‌ای در آن مناطق به کارگران داده نشده. دولت‌ها، نیز به امنیت شغلی و فیزیکی و ایمنی کار هیچ‌کدام نیست. آزاد است. یک نبیم مطالعاتی تشکیل دهیم ببینیم آنجا که قوانین و حمایت‌ها را از بین برده‌ایم، اشتغال مازادی ایجاد کرده یا فضا برای اراذل و اوباش و سایه‌انداخته ایجاد کرده‌ایم؟ به نوشته‌ها می‌اعتمادیم. به این دستورالعمل‌ها می‌اعتمادیم. می‌گویم این دستوری که نوشته شده اجرا نخواهد شد. حتی اگر تضمین زیادی بگویم. چرا؟ ماده ۵۲ قانون (که دستورالعمل هم نیست) می‌گوید تمامی مقاوله‌نامه‌ها و حتی توصیه‌نامه‌های سازمان بین‌المللی کار در مناطق آزاد لازم‌الرعایه است. کدامش اجرا می‌شود؟ کارگران تا تجمع صنفی نمی‌کنند یا تا نیرو خرد می‌شود. مگر ما آزادی اعتراض تداریم در منطقه‌ای که کفته می‌شود مقاوله‌نامه‌ها لازم‌الرعایه هستند؟ آنجا هم اعتراض کارگران به رسمیت شناخته شده. هم اعتصاب صنفی و هم تعیین

● مالجو: طرح کارورزی دانش‌آموختگان مطلقا قانونی است؛ هم از حیث مقاوله‌نامه‌های بین‌المللی. هم از نظر قانون کار ایران صریحا بیان می‌کند. ماده ۶۹، هم از لحاظ دستورالعمل‌های مصوب شورای عالی کار و هم نهایتا از زاویه قانون برنامه ششم. بنابراین بهترین کاری که وزارت کار انجام داده این است که تلاش می‌کند تا بتواند انجام دهد. پس‌رفتن و متنفی‌کردن این طرح است.

● ازوجی: مشکل اصلی من و شما در این کلیته است. من مشکل را در بخش کارگر نمی‌بینم. من الان مشکل کارورز ندارم. باید مدت کارفرما را بکشم که به این کارورز آموزش دهد.

● خدایی: این طرح، مغایرت صدردصدی با بند پنج ماده یک مقاوله‌نامه ۱۴۲ دارد. یعنی دقیقا برعکس عمل می‌کنیم. به جای اینکه فرد را تشویق کنیم تا مهارت‌های موردنیاز را یا باز بگیرد فرد را دست کارفرما می‌سپریم.

ازوجی: شما کلمه‌ای که استفاده می‌کنید بُعد حقوقی دارد. اینکه جای دیگر تنظیم شود. جای از کارگر سیاسی. یکی از نکات مثبت این دولت، این است که در آن قواعد قانون‌گذاری رعایت می‌شود. اینکه می‌گوید جای دیگر تصویب و تنظیم می‌شود و به شورای عالی اشتغال می‌رود اصلا درست نیست. ما کارشناس هستیم. ما این صحبت‌ها سر بسته دیگری می‌رود. اینکه تنظیم می‌شود در دبیرخانه شورای عالی اشتغال با همکاری دستگاه‌های مختلف است. این طرح در کمیسیون تخصصی شورای اشتغال رفته است. این کمیسیون معمولا دو بار در سال برگزار می‌شود. بهم‌ماه که این کمیسیون برگزار شد کلیات این طرح همراه با پیوست‌هایش به تصویب رسید. من تصمیم گردم شما می‌خواهید وارد بحث فنی شوید.

خدایی: بله، همین تصمیم را دارم. تهیه، تنظیم و اجرا یعنی هر سه مرحله باید نقش تشکل کارگری و کارفرمایی دیده شود. در همین طرح کارورزی، دو مرحله فنی را با صراحت به شما می‌گویم. در هیچ‌کدام از مراحل، نمایندگان ما نشدتا که حضور نداشته‌اند. مظهوم دو نماینده است که در شورای عالی اشتغال دارایم که طبق قانون این دو نماینده و کارگران عالی شوراهای اسلامی کار کشور مصوب‌کار می‌کنند. بعد از تهیه کلیات طرح کارورزی ابلاغ شد یا دوستانمان تماس گرفتم که جزئیاتش را بگیرم. جزئیات را از من گرفتند. بدانید تا به جزئیات بروید. با توجه به تحقیقی که کرده بودم اطلاع من بیشتر از آنها بود. عضو شورای عالی اشتغال هم در مصاحبه با ایلنا حضورش در آن جلسه را تکذیب کرد. اگر خواستید می‌توانید در این زمینه اقدام خواهی کنید. اگر دروغ گفته باید به‌راحتی می‌توان بیگیری قضائی کرد. آمادگی هم دارد که حضور داشته باشد.

ازوجی: شما کارورزی را در بحث اشتغال می‌بینید.

خدایی: اگر به کارگاه باید فقط در مقوله «کار» دیده می‌شود.

ازوجی: از این بحث باشد من باید جلوی وزارت علوم را بگیرم که آموزش ندهند.

خدایی: بگیرید.

مالجو: من هم با آقای خدایی موافقم. صرف‌نظر از خود طرح کارورزی و زبان تلطیف‌شده و نکتوئرتاب آن که کارگر دانش‌آموخته را کارورز می‌نامد و کارفرما را به دلیل فشارهایی که روی او قرار دارد، ناگزیر است شش ماه در جایی کار کند که برای او بیمه و رنمی‌کشد و فقط بیمه حوادث می‌دهند و شما در مقام وظایف دولت یک‌سوم حداقل دستمزدی را به او می‌دهید که حدودا برابر است با هزینه شکلات نوبه یکی از صاحب‌منصبان در یک هفته. مسئله این است. حال فرقی نمی‌کند که این موضوع در حوزه اشتغال مطرح می‌شود یا حوزه کارآموزی یا حوزه وزارت علوم. اینها دیوارهایی است که زمانی که مشغول اندیشیدن هستیم بین حوزه‌ها می‌کشیم اما وقتی که فرد کار می‌کند برایش مهم نیست که از نظر شما در اشتغال قرار دارد یا در حوزه دیگری. این بحثی از تجربه زندگی فرد است که نمی‌توان با بخشنامه تعریفش کرد.

ازوجی: به نظرم شما دستورالعمل قبل را دیدید.

مالجو: دستورالعملی را که در سامانه کارورزی است مطالعه کرده‌ام. این ضعف وزارت کار است که نسخه اصلی‌ری را روی سایت نمی‌گذارد و همین نیز شائبه بی‌نظمی‌کاری را تشدید می‌کند.

ازوجی: این ضعف نیست. من دولت موظفم نظرات همه را بگیرم در کار بیاورم.

خدایی: همه باید بدانند چیست که نظر بدهند.

خدایی: اگر قرار است نظرات را بگیریم، پس چرا نسخه اولیه منتشر شده؟ طرح در حال اجراست. مگر در زمان اجرا نظرات را اعمال می‌کنید؟

مالجو: اکنون دارند ثبت‌نام می‌کنند.

خدایی: مگر اعلام نکردید ۲۷۰ هزار مورد ثبت‌نام کرده‌اند؟

ازوجی: مشکل اصلی من و شما در این نکته است. من مشکل را در بخش کارگر نمی‌بینم. من الان مشکل کارورز ندارم. باید مدت کارفرما را بکشم که به این کارورز آموزش دهد.

مالجو: من می‌گویم مسئول اینکه شما در مقام دولت باید مدت کارفرما را بکشید و کارگران نیز در مقابل کارفرما ایفرد ذلیل باشند، اتفاقا وزارت کار است. دارم از سیاست‌های سال‌های پس از جنگ صحبت می‌کنم. دولت‌ها موظفی‌سازی قراردادهای کار را باب کردند. شما جلوی سازمان‌های بیمه‌کاری را مطرح کردید.

ازوجی: آنجا وظایفم را دارم.

مالجو: وظایفتان یک است. فرقی نمی‌کند. می‌شن من هیچ فرقی نمی‌کند شما از کدام اتاق وارد کار بیرون آمده‌اید. ما در مورد وظایف اجتماعی صحبت می‌کنیم به در مورد سرنوشت مردم‌زیاد اثری شما.

ازوجی: در مورد حداقل دستمزد که مطرح می‌کنید، هیچ معیاری برای پرداخت تدریجی کفتیم حداقل دستمزدی که پرداخت می‌شود چطور قرار است به فردی که دوره آموزش‌اش را طی می‌کند، پرداخت شود.

خدایی: لطفا صحبت‌های طرح را هم در حین خواندن بفرمایید.

مالجو: برنامه ششم چنین حرفی نزده و آقای ازوجی شما مغایر با آن صحبت می‌کنید.

▶ لطفا اجرای دهید آقای ازوجی بیانی دهند.

ازوجی: قاعده‌ای که گذاشتیم، کفتیم حداقل دستمزد، مبارت است و اگر می‌خواهید به این فرد دستمزد بدهیم که ۱۰۰ میلیون باشد یا هزار تومان، بلاخره پرداخت ما عقده‌دار دارد. مبالغ دولت. فقط مقطع تحصیلی و دوره‌ای که طی می‌کند مشخص است. دوره‌اش هم چهار تا صحبت شد.

مالجو: دستورالعمل مصوب سال ۷۹ می‌گوید کارورز روزانه فقط پنج چهار تا شش ساعت باید سر کار باشد.

ازوجی: پرداختی که انجام می‌شود بین واحد پذیرنده و کارورز کمک هزینه آموزشی است. قراردادی که با کارگر دارد، کار است. وقتی قرارداد کار می‌بندید، قرارداد با پژوهشی می‌بندید تبدیل شبیه است. وقتی در جایی آموزش می‌دهید و آموزش می‌گیرید، هزینه می‌کنید. الان در فنی و حرفه‌ای باید پول پرداخت کنید تا آموزش ببینید چه دولتی باشد یا آزاد. ما در این طرح نمی‌خواهیم پرداختی انجام شود. هزینه حداقلی طبق این دستورالعمل پرداخت می‌شود. نظرات کارفرما و کارگری را سعی کردیم تا حدی که امکان‌پذیر بود لحاظ کنیم. شما حساس شدید در این مورد که این طرح بلندمدت نباشد. به نظرم اگر برنامه‌های اشتغال ما روی زمین بنشیند، اصلا نیازی به طرح‌هایی مانند کارورزی نداریم.

مالجو: عجالتا که نشسته. شما چرا به فیصل بنجم قانون کار اقدام نمی‌کنید؟ در زمینه کارورز، وزارت کار چه‌کاره است که شما باید این طرح را مطرح کنید؟

ازوجی: شما تاکید می‌کنید که امتیاز را به کارفرما می‌دهید. حقوق شورای عالی کار بود و آقای خدایی هم در جریان بحث هستند. کارفرما کفت من دستمزد را افزایش نمی‌دهم. کفتم مگر می‌شود؟ چرا چقدر قانون کار این طور می‌گوید. گفتند من این موضوع را ندارم. یک نفر می‌گفت من از نیرو دارم باید اخراجشان کنم؟ من بیشتر از شما دغدغه کارگری دارم. کارفرمایان رأی‌می‌رود که آسیب‌های اجتماعی و امنیتی‌اش بیشتر از کارگر است.

مالجو: من می‌گویم مسئول این عدم‌اثرش قرار وزارت کار و سیاست‌های سال‌های پس از جنگ است. چنان کارگر را دیل کرده‌اند.

ازوجی: اجازه بدهید صحبت‌هایم را بگویم. وقتی در معدن بودم تونل طول سی‌ال‌ها هزار ۸۰۰ متر معدن را کنده و رفته‌اند و بازرس شما شش ماه حداقل هر چهار ماه یک‌بار به آن معدن سرزده و موظف بوده‌اند و افراد در معدن برای نیروی کار بیش‌بینی کنند که این کار را نکرده. چقدر می‌خواهید بیل را کنترل کنید؟ یا بعد اثرا؟ می‌توان روی آن کار کرد. اگر مشوق بیمه‌ای می‌خواهد از جذب کلید طبیعتا همه قوانین جاری کشور سواری و جاری خواهد بود. بحث من این است که باید از قانون تبعیت کنم اما ماده ۱۱ می‌گوید کارورزانی که دوره می‌بینند، اگر بنگاه خصوصی و تعاونی فارغ‌التحصیلان دانشگاهی را جذب کند. من دولت وظیفه دارم کمک کنم تا بنگاه به این جذب راغب شود یک ابزار این است. تاکید می‌کنم اینکه مخاوهم دولت این را علم کند که مشکل اشتغال من دولت است. این طور نیست.

مالجو: جوجه که شما این را می‌گویید. دولت این را نمی‌گوید و چنین طرح‌هایی را در قالب استقرارایی می‌بینند.

ازوجی: دولت این را نمی‌گوید.

خدایی: جزء دولت این را می‌گوید.

مالجو: با شما موافق هستم. به‌دلیل ناتوانی نظام سیاست‌گذاری برای رفع موانع تولید و از این رهگذر اقدام برای اشتغال‌زایی، یک بخش از اینها نظام سیاست‌گذاری (یعنی وزارت کار) در یک گوشه از بحث‌هایش که محل بحث ماست (یعنی طرح کارورزی)، همه فشار را روی نیروهایی می‌گذارد که توان مقاومت ندارند و این یعنی رابطه قدرت. به این نمی‌گویم علم. به